

ذهن در فلسفه و عصب‌شناسی

مهدی افتخار^{۱*}

۱- دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

مهدی افتخار: em45sh@yahoo.com

چکیده

هدف: ماهیت ذهن از مسائل میان‌رشته‌ای بین فلسفه، روان‌شناسی، عصب‌شناسی، هوش مصنوعی و دیگر علوم وابسته می‌باشد. در قرون اخیر ذهن محل بحث و مناظره فراوان بوده است. ابتدا هیوم در قرن هفدهم وجود ذهن را انکار کرد و سپس با رشد فلسفه تحلیلی در قرن بیستم که مقارن با ظهور پوزیتویسم است، گیلبرت رایل وجود ذهن را به نفع رفتارگرایی منطقی، انکار نمود. بعد از این در فلسفه ذهن جدید وقتی صحبت از ذهن می‌شود، منظور حالات ذهنی یا آگاهی است. روش جستجو: عمدتاً کتابخانه‌ای با تکیه بر رهیافت‌های فلسفی و عصب‌شناختی و تجربیات پارا سایکولوژیک است. یافته‌ها: ذهن معانی و ساحت‌های متفاوتی دارد که عدم تفکیک آن معانی باعث خلط بحث و بی‌نتیجه ماندن آن می‌گردد. ذهن بشری تا وقتی بدن و مغز انسان زنده است، کاملاً به مغز و فعالیت‌های الکتروشیمیایی مغز وابسته است بلکه می‌توان گفت شکل‌گیری ذهن انسان به اندوختن اطلاعات از ورودی‌های حسی در طول زندگی کاملاً مربوط می‌باشد. اما شواهدی نیز مبنی بر استقلال ذهن از مغز وجود دارد. مثل درک پیشینی زبان، مقولات فاهمه، کهن‌الگوهای ذهنی و این که در برخی شرایط که مغز از کار افتاده یا آسیب کلی دیده هنوز ذهن و فعالیت‌های ذهنی برقرار می‌ماند. تجربیات مراقبه شدید و NDE و OBE، پیش‌آگاهی و امثال آن نیز مؤید این استقلال است. نتیجه‌گیری: ذهن، فضایی درونی برای فعالیت‌های درونی «خود» یا «من» است. ذهن فضایی مانند عالم مثال در فلسفه است. ذهن موجودیتی نیمه‌مادی و نیمه‌متافیزیکی است که از طرفی وابسته به مغز و فعالیت‌های مغزی است و از طرفی ساحتی از جهان متافیزیک می‌باشد. یعنی نه موجودی کاملاً مجرد و غیرمادی است و نه کاملاً منطبق در بدن.

واژه‌های کلیدی: ذهن، فلسفه، فعالیت‌های الکتروشیمیایی مغز، عصب‌شناسی



Mind in Philosophy and Neuroscience

Mehdi Eftekhari^{1*}

1- Associate Professor Faculty member of Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

Mehdi Eftekhari: em45sh@yahoo.com

Introduction: The nature of the mind is an interdisciplinary issue between philosophy, psychology, neuroscience, artificial intelligence and other related sciences. In recent centuries, the mind has been the subject of many discussions and debates. First, Hume in the 17th century denied the existence of the mind. Then, with the development of analytical philosophy in the 20th century, which coincided with the rise of positivism, Gilbert Ryle denied the existence of the mind in favor of logical behaviorism. After this, in the new philosophy of mind, when we talk about the mind, we mean mental states or consciousness.

Search Method: It is mainly a library based on philosophical and neurological approaches and parapsychological experiences.

Results: The mind has different meanings and areas, and the lack of separation of those meanings causes the discussion to be confusing and inconclusive. As long as the human body and brain are alive, the human mind is completely dependent on the brain and the electrochemical activities of the brain. It can be said that the formation of the human mind is completely related to the accumulation of information from sensory inputs throughout life. But there is also evidence that the mind is independent from the brain. Such as prior understanding of language, Categories of understanding, mental archetypes and the fact that in some situations when the brain is disabled or damaged, the mind and mental activities are still maintained. Experiences of intense meditation and NDE and OBE, preconsciousness and the like also confirm this independence.

Conclusion: The mind is an inner space for the inner activities of "self" or "I". The spatial mind is like the world of example in philosophy. The mind has a half-material and half-metaphysical existence that On the one hand, it depends on the brain and brain activities, and on the other hand, it is a part of the metaphysical world. It means that it is not a completely single and immaterial being, nor is it completely inherent in the body.

Keywords: mind, philosophy, brain electrochemical activities, neurology

